

و
أحد

قلّة بحران
قلّة مدیریت

لطف الله میثمی

هاله سجابی

نادر قیداری



میثمی، لطف الله، ۱۳۱۹ -
احد: قله بحران قله مدیریت/ کاری از گروه تحقیق لطف الله میثمی،
هاله سحابی، نادر قیداری - - تهران: صمدیه، ۱۳۸۴.
۳۰۵ ص: مصور، نقشه، جدول.

ISBN: 964-5790-19-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه.

۱. غزوه احد. ۲. مدینه - تاریخ. ۳. محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳
قبل از هجرت - ۱۱ ق. - غزوات. الف سحابی، هاله، ۱۳۳۶ -
ب. قیداری، نادر، ۱۳۳۹ - ج. عنوان. د. عنوان: قله بحران.
۲۹۷/۹۳۷ BP ۲۴/۴۵/الف ۹م

۸۴-۹۱۳م

کتابخانه ملی ایران



نام کتاب: احد، قله بحران قله مدیریت
گردآوری و تحقیق: لطف الله میثمی، هاله سحابی، نادر قیداری
نوبت چاپ: اول زمستان ۱۳۸۴
شمارگان: ۱۰۰۰
قیمت: ۴۵۰۰ تومان
آدرس: نشر صمدیه، میدان توحید، خیابان نصرت غربی، شماره ۲۴
تلفن: ۶۶۹۳۶۵۷۵
مرکز توزیع: کتابگستر (۲۲۰۱۹۷۹۵)

فهرست مطالب

بخش نخست

۱	سرآغاز.....
۱۱	فصل اول، مدینه.....
۲۳	فصل دوم، حاکم صالح مدینه.....
۴۵	فصل سوم، تشریح‌های نو.....
۵۹	فصل چهارم، مسئله یهود.....
۷۳	فصل پنجم، حج دعوت عام.....
۸۱	فصل ششم، عملیات از هجرت تا بدر.....
۹۷	فصل هفتم، نبرد بدر.....
۱۰۷	فصل هشتم، عملیات پس از بدر.....
۱۴۱	فصل نهم، بیرون از شهر.....
۱۴۹	فصل دهم، روند گسستن یهود.....
۱۷۳	فصل یازدهم، حساسیت برنامه حج.....

بخش دوم

۱۹۱	فصل اول، کبوترهای مکه.....
۲۰۱	فصل دوم، هزینه سنگین.....
۲۱۳	فصل سوم، نحوه خبرگیری دقیق محمد(ص) از قریش و.....
۲۲۵	فصل چهارم، شورای نظامی مدینه.....
۲۳۹	فصل پنجم، تصمیم.....

۲۶۱	فصل ششم، صف نماز
۲۷۹	فصل هفتم، کارزار
۲۹۱	فصل هشتم، آغاز هزیمت لشکر قریش
۳۰۳	فصل نهم، تغییر وضعیت جنگ
۳۲۱	فصل دهم، هجوم
۳۳۱	فصل یازدهم، اندوهی بالاتر
۳۴۳	فصل دوازدهم، مقاومت
۳۶۳	فصل سیزدهم، نیروهای تازه
۳۷۵	فصل چهاردهم، جایگاه بلند
۳۹۳	فصل پانزدهم، شهری در انتظار
۴۰۱	فصل شانزدهم، عملیات حمراءالاسد
۴۱۷	فصل هفدهم، محورهای مهم نبرد احد در قرآن
۴۲۳	تصاویر

وقتی جوان بودم، در دیدگاه سنتی جاری گفته می‌شد که پژوهش درباره نهضت حسینی، سرانجامی جز سرگردانی ندارد؛ چرا که هر پژوهشی با این بن‌بست روبه‌رو می‌شود که آیا امام حسین(ع) علم داشت و خود را به هلاکت انداخت و یا علم نداشت، که در این صورت علم امام نفی می‌شود؟! و گفته می‌شد هر دو گزینه افتادن در وادی ضلالت است.

همین دیدگاه درباره جنگ احد به فرماندهی پیامبر نیز وجود داشت که چرا ایشان علیرغم اتصال به وحی دچار چنین ضربه‌ای شدند که ۵۲ تن شهید از جمله حمزه سیدالشهدا را برجای گذاشت؟

کتاب حاضر: "احد، قله بحران، قله مدیریت" پژوهشی است که به نظر می‌رسد هدف‌های اصلی زیر را دنبال می‌کند:

- ۱- تلاش در راستای برون‌رفت از شائبه "وادی ضلالت".
- ۲- طرح مقوله عقلانیت وحی؛ بشری چون محمد ﷺ به کمک آموزه‌های وحی. جنگ احد را طراحی می‌کند آنگاه در پایان جنگ خداوند در آیات آل‌عمران این طراحی را تأیید و بدین‌سان مهر الهی می‌خورد.
- ۳- پیدا کردن حلقه‌های مفقوده‌ای که در کتاب‌های تاریخی یافت نشده، اما قرآن به آن اشاره کرده است. در این پژوهش آنچه در قرآن آمده با آنچه در تاریخ ثبت شده به‌طور موازی بررسی شده است.
- ۴- علیرغم خداآوری، معادباوری و وامداری پیامبر به وحی، ایشان در جامعه متکثر

و متنوعی چون مدینه قانون اساسی ای طراحی می کنند که همه اقوام و ادیان از آن استقبال می کنند، گویا با الهام از این مقوله بوده است که امثال مرحوم آیت الله نائینی در انقلاب مشروطیت دیدگاه های قرآنی و فقهی خود را در بستر زمان و مکان به شکل هنرمندانه ای در چارچوب قانونی و حقوقی مطرح می کنند به طوری که مورد پذیرش مسلمان نواندیش، سنتی و افراد عرفی و لائیک نیز قرار می گیرد.

لطف الله میثمی

در طول تاریخ همواره مراحل و نقاط عطفی به چشم می خورد که طی آن، رشد عادت ها و سنت های پیشین در میان مردم و سیر حرکت جامعه، به موجی از بحران انجامیده، نتیجه و اثر نقطه های ضعف و قدرت آدمیان، در عرصه حادثه ای فراگیر، معلوم و آشکار می گردد! و آنگاه که ضربه و شکستی پدید آید، نابسامانی نیز اوج می گیرد. بسیاری به ارزش ها و اصولی که روی آن حساب می کردند، شک نموده، زبان به ملامت و سرزنش خود و دیگران می گشایند. یقین ها به تردید بدل می گردد و تردیدها به انکار و کفر می گراید، کار و تلاش اندک شده و ضعف روحیه، باریک بینی و حتی اختلافات و دعوای گذشته و گمان های جاهلی جان می گیرند. در یک جمله، زمان «بحران» و «ابتلا» فرامی رسد.

جنگ احد نیز که در جریان آن ضربه مهمی بر بنیه نظامی و اقتصادی مسلمانان، وارد شد، در زمانی صورت گرفت که پیامبر خود، رهبر امت بود و جامعه مسلمانان به منبع وحی، متصل. لذا پذیرش واقعیت شکست یا ضربه از سوی دشمنی که کفرآلود و بر باطل خوانده می شد، برای مسلمانان دشوار می نمود و بسیاری که قلبشان مطمئن نبود، با این پیشامد، متزلزل شدند. نفاق گرایان بهانه ای برای نکوهش مسلمانان پیدا کرده، سران رقیب یهود و اهل کتاب، دلشاد و خوشوقت از این زخم کاری گردیدند. در چنین شرایطی که دمل های عادات و گمان های خطا و تفرقه در میان آن امت برگزیده، طی یک واقعه مهم سر باز کرده و رشته های وحدت پاره پاره می شد، مدینه، مدیریت آگاه، دلسوز و هشیار را طلب می کرد، که این مصیبت را به پله های رشدی

بدل کند و راه خروج از بحران را با کلمه هدایت، مشورت، استغفار و توکل بجوید و دوباره خلق را گرد محور توحید جمع کند.

در کتاب‌های تاریخی که درباره جنگ احد و وقایع آن بحث شده است، به نقاط ضعف و خیانت و عدم اطاعت عده‌ای از مسلمانان از فرمان پیامبر اشاره شده و طوری نشان داده شده که برق غنیمت، درخشش ایمان از دل آنان زدوده و آنان را مستحق شکستی سنگین نموده است. در این ماجرا به نقش جزء به جزء رهبری پیامبر کمتر اشاره شده، مگر آن‌که برخی از محققان با پرداختن چهره‌ای قهرمان‌گونه از او و بعضی اصحاب، در تلاش فردی آنها در به خاک کشیدن دشمنان بی‌شمار، نقش اغراق‌آمیزی را ترسیم نموده‌اند. این تلاش‌ها اگر چه برای نشان‌دادن جایگاه «برحق» پیامبر و مسلمانان ازسوی تاریخ‌نگاران دلسوز می‌باشد، ولی طراحی این‌گونه نقش‌های قهرمان‌مآبانه در میان جمعی که سراپا نقطه ضعف و گرایش دنیایی بوده‌اند! انسجام کافی برای تحلیل واقع‌گرای تاریخی برای اذهان پرسشگر ایجاد نمی‌کند. صاحب‌نظران مسلمان و شیعه نیز کمتر به بررسی فکری و تحلیل تاریخی این واقعه پرداخته‌اند. از این لحاظ شباهتی میان دو واقعه تاریخی احد و عاشورای حسینی به چشم می‌خورد، چرا که طرح حادثه در هر دو مورد با یک سؤال همراه می‌شود. واقعه عاشورا پیش از سال‌های دهه پنجاه که جوانان انقلابی، دکترشریعتی و عده‌ای از طلاب روشنفکر به‌طوری جدی روی آن کار کردند، «ازسوی فقها» و «اهل حوزه» به‌صورت حادثه‌ای آسمانی و از پیش تعیین شده تلقی می‌شد، عاشورا این پرسش را برای محقق شیعه مطرح می‌کرده است که «امام حسین اگر از سرانجام این واقعه آگاه بوده، چرا اقدام به این حرکت نموده و خود و خانواده‌اش را به هلاکت انداخته است؟» این کسان ورود به «تهلکه» (۱) را با آگاهی! اساساً گناه می‌دانند و تبیین فکری برای آن ندارند و اگر امام نمی‌دانسته که چنین زخمی بر یارانش وارد خواهد شد، پس مسئله علم امام و پیش‌بینی‌های او که از عالم غیب الهام می‌گرفت چه می‌شود؟

درباره جنگ احد، مسئله از این هم مهم‌تر به نظر می‌رسد، چرا که پیامبر خود در این جنگ حضور داشته، خود به نتیجه شورا تن داده و خود موضعی را در خارج شهر طراحی و تعیین کرده است. اگر او بر نتیجه این کارزار واقف بوده است، اقدام وی نیز به زیر سؤال می‌رود. اگر پیش‌بینی دیگری داشته، اتصال به وحی خداوند و علم پیامبری او چه می‌شود؟

نکته جالب که اهمیت این واقعه را بر ما می‌نمایاند، آیات زیادی است که به توالی در سوره آل عمران درباره این واقعه و به‌خصوص ثمرات، انگیزه‌های درونی، گمان‌ها و شبهه‌ها آمده است و تأکید بر دلجویی، بخشش و استغفار پیامبر برای مسلمانان و برملا ساختن کید کافران و تحلیل انگیزه‌های نفاق‌گرایان و اهل کتاب (یهود) نموده است و جالب‌تر این‌که این آیات همگی پس از پایان جنگ نازل شده و مانند دفتری برای ثبت و بررسی ریشه‌ای و تحلیلی ژرف پس از وقوع حادثه بر پیامبر فروفرستاده شده است. پیامبر زمانی که در این جنگ وارد شد، به تدبیر و بیش‌خود انکا داشت و با تربیت و رشدی که در مکتب وحی یافته بود و با محکماتی که در قلب او جالفته بود، در ظرف زمانی معین و حادثه‌ای مشخص، خود مسئولیت طراحی نظامی و تشکیل هسته‌های رزمی و هدایت افراد خود را برعهده گرفت. وی حتی پیش‌بینی‌های ظریفی نمود و هشدارهای لازم را داد و مواضعی را اتخاذ کرد که در صورت عقب‌نشینی و فرار احتمالی مسلمانان، آنها را به بازگشت به صحنه جنگ راغب نماید (موضع دامنۀ کوه و فرار رو به طرف بالا).

نزول آیات و تأیید خداوند بر این عمل و بشارت پیروزی برای صابران و پرواپیشتگان نیز بعد از اتمام جنگ و برای جمع‌بندی و تربیت مؤمنان صورت گرفت، تا در تاریخ بماند. نکته دیگر آن‌که بیشتر تاریخ‌نویسان اسلامی، از شکست مسلمانان در این جنگ صحبت می‌کنند، اما به قول گیورگیو نویسنده کتاب «محمد، پیامبری که از نو باید شناخت» اطلاق کلمۀ شکست برای این جنگ درخور مطالعه است، چرا که کفار به اهداف مهم خود دست نیافتند. (۲)

خداوند در آیات قرآن این جنگ را امتحانی برای مؤمنان خوانده و بشارت پیروزی را در صورت تقوا و صبر و شکیبایی به آنان داده است لذا از نظر قرآن نیز این جنگ یک شکست محسوب نشده، بلکه می‌توان آن را یک ضربه عبرت‌آموز به‌شمار آورد. در این نوشتار با استناد به اخبار تاریخ‌نویسان و صاحب‌نظران و جمع‌بندی این گزارش‌ها و با استناد به آیات قرآن در این باره سعی کرده‌ایم تحلیلی دیگر و تبیینی از این واقعه نظامی ارائه نماییم و ریشه‌های بحران و جو و روحیۀ حاکم بر جامعه مدینه را جست‌وجو کنیم تا جنبه آموزش برای نسل امروز داشته باشد. گفتنی است که در این راه از تفسیر پرتوی از قرآن، ج ۳، اثر زنده‌یاد، آیت‌الله سید محمود طالقانی بهره‌ها جستیم. روش ما در این مختصر این بوده که تاریخ را با قرآن تطبیق داده‌ایم و خواسته‌ایم و با استناد به قرآن، حلقه‌های مفقوده یا تحریفات انجام‌شده را کشف نماییم. سیر تحول روابط درونی امت، سیر گسست یهود،

نقش یهود، توطئه‌های جریان نفاق در میان اهل کتاب و هم در میان بی‌طرفان و هم در میان مسلمانان، رشد روابط قبایل با مسلمانان، سیر رشد تضاد سران مکه با مسلمانان و این‌که چرا با وجود شکست قریش در بدر، آنان خود را به جنگی تمام‌عیار با مسلمانان وادار کردند؟ و... از این‌رو برای آن‌که جوّ و فضای موجود در آن روز را در میان آن امت برگزیده (۳) دریافته و از خلال آن روش‌های برخورد پیامبر با امتش و رشددهی و روش تربیتی او را درک کنیم، ناچار شدیم به عقب برگردیم و تاریخ مدینه را از آستانه هجرت و تشکیل امت برگزیده و قانون‌اساسی آن و آنچه روابط، عادت‌ها و سنت‌ها را در این جامعه رقم می‌زده است، با ریزه‌کاری‌های روزمره‌اش پی بگیریم و سیر تحول این روابط را تا نبرد احد که قله بحران و مدیریت آن بود بررسی‌م!

در این راه، خواننده عزیز اطالّه کلام و طرح مطالب تفصیلی را بر ما می‌بخشد که بسیاری مطالب - ناگزیر - به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری‌شان بر این سیر تحول مطرح شده‌اند.

مطالب را به دو بخش مختلف تقسیم نموده‌ایم، به این شرح:

نخست: تاریخ مدینه از آستانه هجرت تا پیش از نبرد احد

دوم: شرح وقایع احد و پس از آن

فصل‌های مختلف کتاب اول شامل مطالبی است که سیر تحول کادرسازی و شکل‌گیری امت و قوانین و روابط درون آن را نشان می‌دهد. برخورد با اهل کتاب به عنوان بخشی از شهروندان شهر پیمان‌های جدید و تأثیرگذار - هدف عملیات بیرون شهر، حساسیت دعوت به حج و تأثیر آن در تصمیم حمله مشرکین به مدینه در فصل‌های جداگانه مطرح شده است و در فصل آخر نگاه به درون، شیوه مدیریت پیامبر و روش تربیت وی قدری شکافته شده است.

در بخش دوم، شکل‌گیری جریان جنگ و طیف‌های متفاوت دوست و دشمن و رقیب در هنگامه نبرد و پیرامون آن بررسی شده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- براساس آیه: "لَاتَلْفُوا يَٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِلَى الْتَهْلُكَةِ"؛ خود را به دست خود به گرداب هلاکت و نابودی

نیفکنید. (بقره: ۱۹۵)

۲- ص ۲۷۳

۳- «کتب خیر امت اخرجت للناس» (آل عمران: ۱۱۰)